



موقعیت اصل حسن نیت در فرایند دادرسی کیفری

سیددُرید موسوی مجاب^{۱*}، زهرا شیرازی فردویی^۲

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

حسن نیت به مثابه یک اصل پایه در حقوق کیفری ماهوی و شکلی، نه تنها در زمینه توجیه چرایی رواداریِ نهادهای حقوقی از جمله اسباب اباحه رفتار ارتكابی، معاذیر قانونی و کیفیات مخففه در حق مرتکب جرم مجال طرح می‌یابد، بلکه در طول فرایند دادرسی کیفری از مرحله پلیسی تا مرحله رسیدگی و حتی اجرای حکم نیز موقعیت ویژه‌ای دارد. با آنکه در ادبیات حقوقی و در قوانین کیفری بسیاری از کشورها به صورت صریح یا ضمنی به اصل حسن نیت و تأثیر آن بر تصمیم مقام قضایی و گستره مسئولیت کیفری مرتکب، فراهم‌سازی زمینه بهره‌گیری از نهادهای ارفاقی، اعطای حق دفاع به متهم در توجیه رفتار ارتكابی و رفع اتهام، متعادل‌سازی نگاه کنشگران رسمی نظام عدالت کیفری و غیره اشاره شده است، اما در ادبیات حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری ایران، به شکلی بایسته و مشخص به این اصل توجه نشده است. اگرچه برخی از کنشگران قضایی در مقام توجیه علت تعدیل یا تبدیل عناوین اتهامی و تغییر میزان مجازات بر اساس دکترین حقوقی به حسن نیت توجه می‌کنند، لیکن به دلیل عدم شناسایی موقعیت قانونی اصل یادشده و نیز مغفول واقع‌شدن جایگاه آن در جریان دادرسی کیفری، به نقش اثرگذار آن توجهی نمی‌شود. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و درعین‌حال تطبیقی با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه و تحلیل محتوای برخی آراء انجام یافته، موقعیت اصل حسن نیت، طی فرایند دادرسی کیفری مورد تشریح واقع شده و به پیامدهای مثبت اهتمام قانونی و قضایی به آن از جمله تضییق دامنه جمعیت مظنونان و متهمان، کاهش حجم پرونده‌های قضایی، کاهش تعداد محکومان و زندانیان و نیز تحکیم موقعیت دادرسی منصفانه اشاره شده است.

واژگان کلیدی: اصل حسن نیت، حق دفاع، دادرسی منصفانه، متهمان.

E-mail: d.mojab@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:





۱. مقدمه

در نظام‌های حقوقی مختلف، اصول متعددی بر عملکرد و تصمیم‌کنندگان رسمی نظام عدالت کیفری در جریان رسیدگی به یک پرونده حاکم است. در مرحله رسیدگی و صدور حکم در کنار اصولی همچون تناسب، برابری، بی‌طرفی، استقلال، شفافیت، توجیه‌پذیرسازی، استدلال‌مندی و استنادپذیری، اصل حسن‌نیت از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

اهمیت اصل حسن‌نیت تا جایی است که گاه در دکترین حقوقی برای تصدیق اعتبار تصمیم مقام قضایی - در حیطه صلاحیت‌ها و اختیارات مربوط - به آن تکیه می‌شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر، در آرای خود مکرر بر ضرورت پای‌بندی مقام قضایی به اصل حسن‌نیت تأکید نموده و احراز آن را به مثابه سنجه مشروعیت تصمیم و از شروط توجیه مداخله یاد کرده است. در تحقق این مهم دادگاه تأکید نموده که مقام‌های قضایی، تصمیم خود را باید بر یک ارزیابی معقول و منطقی از واقعیات مربوط و در راستای پیگیری اهداف مشروع بنیان نهاده باشند (کمیتکی، بالوی، ۱۳۹۵: ۳۴۴-۳۱۸).

اصطلاح حسن‌نیت^۱ در قوانین و مقررات موضوعه بسیاری از کشورهای غربی و عربی به کار رفته است؛ اما در هیچ‌کدام از آنها به شکل روشن و صریح تعریف نشده است (موسوی مجاب، ۱۴۰۱: ۲۸۰). عده‌ای از پژوهشگران معتقدند علت عدم ارائه تعریف صریح و روشن از حسن‌نیت، قصور قانون‌گذار یا دکترین نیست؛ بلکه برخی مفاهیم بی‌نیاز از تعریف‌اند (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۹).

حسن‌نیت با آنکه در شاخه‌های مختلف حقوقی از جمله حقوق تجارت، حقوق قراردادهای، حقوق بین‌الملل و حقوق مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، لیکن در ادبیات حقوق کیفری برخی کشورها از جمله ایران مورد توجه بایسته قرار نگرفته است. در حقیقت نه‌تنها در ادبیات مدون حقوق کیفری، که در قوانین کیفری اعم از

1. Prima Facia



شکلی و ماهوی و همچنین در رویه قضایی اشاره صریح یا تأکید ویژه‌ای به اصل حسن‌نیت و مدلول آن نشده است. امروزه اصل حسن‌نیت در روند رسیدگی‌های حقوقی از جایگاه مهمی برخوردار شده و از یک فضیلت اخلاقی، به یک ضرورت حقوقی مبدل شده است. رعایت اصل حسن‌نیت آنگاه اهمیت بیشتری می‌یابد که در رسیدگی به برخی جرائم همچون جرائم امنیتی و جرائم اقتصادی، دیدگاه‌های فراقانونی و خاص حاکم باشد. در اینجا است که انتظار می‌رود مقام قضایی با توجه به اصل حسن‌نیت، در مسیر اجتهاد قضایی گام بردارد (موسوی مجاب، پیشین: ۲۸۱).

مطالعات جامعه‌شناسی کیفری گویای آن است که اصل «برابری در مقابل قانون»^۱، در عمل تحت تأثیر برخی متغیرهای فراقانونی چنان‌که باید، سهمی از حقیقت ندارد. متغیرهایی همچون جنسیت، نژاد، مذهب و طبقه اجتماعی، باورهای نادرست در ذهن کنشگران نهادهای مختلف عدالت کیفری ایجاد می‌کنند که مبنای تصمیم‌گیری آنان می‌شوند. این باورها در مراحل مختلف فرایند عدالت کیفری می‌توانند بر سرنوشت متهمان تأثیرگذار باشند. برابری افراد در مقابل قانون ایجاب می‌کند که با همه شهروندان در شرایط مشابه، برخورد کیفری یکسان انجام شود. این اصل گویای آن است که سرنوشت کیفری بزهکار باید تابعی از متغیرهای قانونی و قضایی باشد. این اصل هنگامی که موضوع مطالعات جامعه‌شناسی کیفری قرار می‌گیرد این نکته را آشکار می‌کند که متغیرهای فراقانونی عمیقاً بر باورها و نهایتاً تصمیمات کنشگران عدالت کیفری - به‌ویژه مقام‌های پلیسی و قضایی - تأثیر می‌گذارند. بر این اساس هنگامی که باوری اعم از مثبت یا منفی در ذهن شکل می‌پذیرد که بهره‌ای از واقعیت ندارد و این باور پایه تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، یقیناً در صحت و عادلانه بودن آن تصمیم تردید ایجاد می‌شود (امیدی و عارفی، ۱۳۹۹: ۱۴۰). تردیدی وجود ندارد پیش-

1. Equality before the Law



انگاره‌ها، تفکر قالبی یا کلیشه‌های ذهنی^۱، مانع قضاوت صحیح در قبال اشخاص می‌شوند؛ ضمن آنکه، شکل‌گیری دادرسی کیفی سخت‌گیرانه در سایه عوامل یادشده را نمی‌توان انکار نمود.

در ارتباط با سویه‌های ایدئولوژیک، پیش‌داشتهای ذهنی و پیشینه اجتماعی و تأثیر هر یک بر طرز تفکر و تصمیم هر شخص، پژوهش‌های داده‌بنیاد و رویه‌کاو بسیاری انجام شده است؛ برای نمونه در مورد پیشینه اجتماعی دادرس و تأثیر آن بر تفکر، باور و به‌طور کلی سمت‌وسو دهی اندیشه وی، پژوهش‌های درخشانی در حوزه جامعه‌شناسی کیفی شکل یافته است.

پیشینه اجتماعی هر شخص را می‌توان در قالب متغیرهایی همچون بستر خانوادگی و اجتماعی محل رشد، سطح تجربه‌مندی، دین و مذهب، تحصیلات - خواه از حیث نوع تحصیلات (حوزوی یا دانشگاهی)، خواه کیفیت، محل و سطح تحصیلات - نژاد، گرایش‌های قومی، سیاسی، وضعیت اقتصادی، جنسیت، سوابق و موقعیت استخدامی^۲ و هر متغیر فکری اثرگذار دیگری کاوید؛ برای مثال، سطح فهم‌پذیری دادرس از آموزه‌های اسلامی، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری پیش‌فرض‌های مبتنی بر حسن‌نیت دارد. اگرچه موضوع اخیر نیاز به اثبات تجربی دارد، اما از حیث نظری و در چارچوب ادله نقلی، پشتوانه‌های بسیاری برای آن می‌توان یافت. نیک‌اندیشی، خوش‌گمانی، احتمال خیر دادن و جانب‌تعصب یا تحکم را کنار نهادن، از کلیدواژه‌های موسوعه اندیشه اسلامی است. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «لَا تَطُنَّنَ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَحَدٍ سُوءًا»

۱. مجموعه‌ای از باورها و پیش‌داوری‌های مثبت یا منفی مبتنی بر اطلاعات محدود و ناقص نسبت به یک شخص یا یک گروه است که مانع از قضاوت صحیح و منطقی می‌شود و در اصطلاح انگلیسی "Stereotype" نامیده می‌شود (امیدی و عارفی، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

۲. برای نمونه دادستان یا بازپرس در مقایسه با دادرس، تمایل بیشتری به محکومیت دارند. در گذشته، نتایج پژوهشی در امریکا نشان داد که قضاتی که پیش‌تر دادستان بوده‌اند و وظیفه ایشان اقامه دلیل علیه متهم بوده است، در منصب قضاوت تمایل بیشتری به محکوم کردن دارند (Nagel, 1962: 333).



وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا: «کلمه‌ای را که از دیگری می‌شنوی تا زمانی که برای آن احتمال خیری می‌دهی، ظن سوء مبر». این سخن حکیمانه دال بر این معنی است که تا زمانی که می‌توان واژه‌ای را به‌خوبی تفسیر کرد، نباید آن را حمل بر بدی نمود (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷: ۳۵۹).

نتایج پژوهشی در زمینه تأثیر پیشینه اجتماعی دادرس بر آرای قضایی، در یک نمونه و در ارتباط با تأثیر متغیر مذهب بر تصمیم دادرس نشان می‌دهد که قضات کاتولیک در پرونده‌هایی که هر یک از مدعی یا مدعی‌علیه تمایلات هم‌جنس‌گرایانه داشته، غالباً علیه او حکم صادر کرده‌اند؛ این در حالی است که در پرونده‌های مرتبط با اعدام که به‌نوعی مغایر با آموزه‌های مسیحیت تلقی می‌شوند، تمایل قضات مسیحی به تبرئه و یا حکم به حبس جایگزین اعدام بوده است. (Songer, & Tabrizi, 1999: 507-526).

امروزه، از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های دادرزی و دادمندی دستگاه قضایی، رسیدگی مبتنی بر حسن‌نیت^۱ و پرهیز از هرگونه سوگیری تحت تأثیر متغیرهای فراقانونی و فراقضایی از جمله بازنمایی رسانه‌ای، عوام‌گرایی کیفری، مداخله نهادهای مختلف مذهبی یا غیرمذهبی، ملاحظات کارفرمایان اخلاقی، سیاست‌زدگی دستگاه قضایی و به‌ویژه امنیت‌مداری افراطی است. پیش‌شرط استقرار و ثبات عدالت قضایی، دادرسی مبتنی بر تشریفات قانونی^۲ و پرهیز از هرگونه سوگیری ایدئولوژیک از سوی مقام قضایی است. نقض اصل حسن‌نیت در روند دادرسی کیفری، منجر به نقض دادرسی منصفانه^۳ می‌شود. مقام‌های قضایی به‌ویژه در پرونده‌های کیفری، رسیدگی قضایی را می‌باید بر پایه اصل حسن‌نیت شکل دهند و در مقام تفسیر مواد قانونی بر محوریت

۱. نقطه مقابل این مفهوم در نوشتگان حقوقی، رسیدگی مبتنی بر پیش‌داشتهای ذهنی، سوگیری و سوءنیت (Bad Faith) است.

2. Due Process
3. Fair Trial



اصل یادشده و در پرتو اقتضائات آن - چه در مقام توجه اتهام و چه در جریان رسیدگی و صدور حکم - اقدام نمایند.

در حقوق دادرسی^۱ که اصول بنیادین متعددی در طول هم قرار دارند، می‌توان گفت بسیاری از اصول و قواعد در حسن نیت ریشه دارند که از آن جمله فرض بی‌گناهی متهم است که محصول حسن نیت است. به هر رو، شناسایی موقعیت^۲ اصل حسن نیت در فرایند دادرسی کیفری و پای‌بندی مقام قضایی به اصول دادرسی منصفانه می‌تواند پیامدهای مثبتی در پی داشته باشد که از آن جمله می‌توان به کاهش حجم پرونده‌های قضایی، کاهش جمعیت محکومان و زندانیان و نیز کاهش بار اقتصادی در نظام عدالت کیفری اشاره نمود (موسوی مجاب، ۱۴۰۱: ۲۸۲). تعیین اصل حسن نیت در مراحل مختلف دادرسی کیفری، از مرحله تحقیقات مقدماتی تا مرحله صدور حکم و اجرای آن، از مؤلفه‌های مهم در جهت دستیابی به دادرسی منصفانه است.

نادیده‌انگاری اصل حسن نیت در جریان دادرسی کیفری به استبداد، خودسری و دوری مقام قضایی از موضع عدالت و انصاف می‌انجامد. در کنار فضیلت‌های اخلاقی و قضایی از جمله بهره‌مندی از شجاعت حقوقی، خویش‌داری، استقلال و بی‌طرفی، دانش حقوقی و شفقت‌ورزی، پای‌بندی به این اصل را می‌توان یک فضیلت فکری و شاخص شایستگی تصدی منصب قضاوت دانست.

از ویژگی‌های قاضی فضیلت‌مند^۳، تقید و تعهد او به اصل حسن نیت است. این اصل در جریان دادرسی به‌ویژه ارزیابی دلایل، تعیین کفایت و شیوه تحصیل آن‌ها، تفسیر قانون کیفری و نیز آزادی عمل قضایی در تعیین مجازات در دامنه گسترده و متغیر قانونی، نقش مهمی ایفا می‌کند. باور فکری مقام قضایی باید پای‌بندی به اصل حسن نیت

1. Law of Proceeding

۲. موقعیت (Status/Position) در اینجا به معنی وضعیت حقوقی و قانونی، حالت، شأنیت و جایگاه اصل حسن- نیت در ارتباط با سایر اصول به طور مشخص است.

3. Virtuous Judge



باشد. به همین دلیل بیان می‌شود «کیستی قاضی» از «چیستی قاضی» کم‌اهمیت‌تر نیست. اگر قدرت قضایی به دست قاضی فضیلت‌مند بیافتد، محتمل‌تر است که وی به سمت عدالت و انصاف جهت بگیرد (سمایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۲-۵۱).

نگاه سیستمی^۱ به فرایند کیفری و تأکید بر مدیریت‌گرایی^۲ صرف در این زمینه، جایی برای رویکرد ترحم‌آبانه، مهرورزانه و مبتنی بر شفقت^۳ در جریان دادرسی کیفری قائل نمی‌شود. رویکرد قضایی شفقت‌محور به‌عنوان رویکردی که به احساس بزه‌دیده/بزه‌کار و سواد هیجانی مقام قضایی بی‌توجه نیست، نافی نگاه بدبینانه، سخت‌گیرانه و سرکوبگر است. اقتضای چنین رویکردی قبل از هر چیز، حسن‌نیت مقام قضایی و تلاش وی در کاربست نهادهای ارفاقی یا سایر راهبردهای غیر کیفری است. رویکرد شفقت‌محور که در حال حاضر در گفتمان قانونی و قضایی بسیاری از کشورها و به‌ویژه در ارتباط با دادگاه‌های حل مسئله^۴ با تأکید بر پارادایم عدالت ترمیمی رایج است، از رهگذر توجه به افکار، دغدغه‌ها و نیازهای طرف‌های دعوی، آرمان اصلاح و درمان یا شرمساری بازپذیرنده را دنبال می‌کند (Knight & Others, 2014: 45-47).

حسن‌نیت، تنها در حوزه حقوق کیفری ماهوی و در ارتباط با توجیه کاربست نهادهایی همچون اسباب اباحه، معاذیر قانونی و کیفیات مخفّفه قابلیت طرح بحث و

۱. در رویکرد مدیریت‌گرایی، عملکرد نهادهای متولی رسیدگی به جرم از کشف جرم تا اجرای احکام کیفری، این نظام را به یک سیستم متشکل از اجزای به هم پیوسته و روابط بین اجزا تقلیل می‌دهد. چنین سیستمی از ورودی-ها، خروجی‌ها، فرایند، بازخورد و محیط سیستم تشکیل می‌شود و تمامی مراحل و افراد دخیل در این فرایند به مثابه ورودی و خروجی در نظر گرفته می‌شوند که تحت مدیریت کنشگران نظام عدالت کیفری از ابتدا تا انتهای فرایند را به مثابه نوعی کارخانه یا ماشین طی می‌کنند و از سیستم خارج می‌شوند، فارغ از اینکه جنبه انسانی و وجودی آنها از جمله افکار، شناخت‌ها، هیجانات و احساسات در نظر گرفته شود (قاسمی کهریزکی، ۱۳۹۴: ۴۵).

2. Managerialism
3. Compassion based Approach
4. Problem Solving Courts (PSC)



بررسی نمی‌یابد؛ بلکه در گستره حقوق کیفری شکلی و در مورد مسائلی همچون ضرورت توجه به دفاع مبتنی بر حسن‌نیت از سوی متهم در برابر مقام قضایی، استقرار اصل بی‌طرفی در جریان دادرسی، توجیه پیگیری هدف مشروع صیانت از منافع عمومی و عمل به تکلیف در سایه اصل یادشده، در ادبیات حقوقی غرب مطالب شایان توجهی وجود دارد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که تأثیر پای‌بندی و توجه مقام قضایی به اصل حسن‌نیت در فرایند دادرسی کیفری و به‌طور خاص در هر یک از مراحل آن بر حقوق متهم چیست؟ در راستای همین پرسش، دو پرسش فرعی دیگر مطرح است: نخست اینکه، مهم‌ترین تهدیدی که متوجه دادرسی منصفانه به‌ویژه در خصوص پرونده‌های امنیتی و اقتصادی می‌شود، از رهگذر ایراد خدشه به کدام اصل است؟ دوم آنکه، در روند دادرسی کیفری، نقض یا نادیده‌انگاری اصل حسن‌نیت چه پیامدهایی به دنبال دارد؟ در تناظر با پرسش‌های یادشده فرضیه‌هایی مطرح است که در جریان بحث به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات نظری پژوهش

حُسن در زبان عربی، ضد قُبْح و نقیض آن است^۱. احسان ضد إِسَاءه است و حَسَنه، ضد سِئَه و مَحاسن - جمع مکسر حُسن - نیز ضد مَسَاوِئ (معایب) است؛ چنانچه گفته شود «مَسَاوِئُهُ کثیره» به این معنی است که معایب و نقایص او بسیار است. حُسن در لغت به معنای زیبایی است (ابن منظور، ۱۹۶۸: ۱۱۴). اگر گفته شود «حَسَنَ الشَّيْءِ تحسیناً» به این معنی است که شیء را به بهترین شکل زینت بخشید یا نیکو گرداند (غالب، ۲۰۰۳: ۵۳۳). نیت - از ریشه‌ی نَوَى، یَنوَى - اشتقاق یافته و به معنی قصد و عزم بر انجام کاری است و ناظر بر جهت‌دهی نفس به انجام رفتار است. نیت، همچنین به

۱. واژه «حُسن» و مشتقات آن علاوه بر سنّت شریفه نبوی، در آیات متعددی از سوره‌های قرآن کریم آمده است که از آن جمله: الأنبياء: ۸۰۱، الأنعام: ۱۶۰، الإسراء: ۷ و البقره: ۲۲۵.



معنی روح عمل آمده است. به اعتبار صحت نیت، رفتار صحیح و با فساد آن، فاسد است. به این دلیل پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «همانا صحت اعمال به نیت است و هر کس به اعتبار آنچه قصد نموده، نتیجه می‌گیرد» (المجلسی، ۲۰۰۳: ۲۱۱).

حسن نیت - در قالب ترکیب اضافی - مقوله‌ای نامحسوس و انتزاعی است و بدون معنای اصطلاحی یا تعریف قانونی، شامل باور درست و صادقانه، فقد طرح فریب یا دنبال نمودن یک امتیاز مغایر با وجدان یا نامشروع است. البته این مفهوم، مربوط به عالم ذهن و کیفیتی معرفت‌النفسی است و قطعاً فقط با مدعیات شخص آشکار نمی‌گردد. در رویه قضایی، حسن نیت مبین حالت ذهنی دلالت‌کننده بر وفاداری نسبت به وظیفه یا تعهد در یک شخص است (Campbell Black, 1990: 353) به‌طور کلی، حسن نیت فقط یک حالت فکری (صداقت) را تبیین نمی‌کند؛ بلکه تحقق آن مستلزم یک رفتار فعال و مثبت است. مجلس اعیان انگلستان، حسن نیت را یک رفتار منصفانه، آشکار و بدون هرگونه پنهان‌کاری توصیف کرده است (Treitel, 2003: 273).

حسن نیت به‌عنوان مفهومی که ریشه در حقوق رومن دارد، در اصطلاح حقوقی ناظر بر باور درست و اراده در پای‌بندی به هنجارهای قانونی است (لطیف مطهر الزبیدی، ۲۰۰۹: ۴۰۸). حسن نیت از حیث لغوی، به واژه رومی "*bona fides*" بازمی‌گردد^۱ و بیش از آنکه واجد مدلول حقوقی باشد، دارای مفهوم دینی و اخلاقی است (عبدالمیر مظلوم الخزرگی، ۲۰۱۴: ۱۷۵). فردی که دارای حسن نیت است، از قانون-شکنی پرهیز می‌کند (کورتو، ۱۹۹۸: ۶۸۳).

برخی حقوق‌دانان، حسن نیت را به منتفی بودن قصد مجرمانه تعریف کرده‌اند؛ چه آنکه، قصد مجرمانه به اراده جهت‌یافته در مخالفت با قانون از رهگذر تعدی یا تجاوز به حقوق مورد حمایت قانون‌گذار تعبیر می‌شود؛ بنابراین هر فردی که چنین اراده‌ای

۱. حسن نیت در حقوق آلمان تحت عنوان "*Treu und Glauben*"، در فرانسه "*de bonne foi*"، در ایتالیا با نام "*buona fede*" و در نظام حقوقی کشورهای انگلیسی‌زبان تحت عنوان "*Good faith*" شناخته می‌شود.



نداشته باشد، یعنی قصد مخالفت با قانون یا تجاوز به حقی نداشته باشد، فاقد سوءنیت است و در حقیقت، دارای حسن نیت است^۱ (نجیب حسنی، ۱۹۶۲: ۹۰). حسن نیت در معنای عام مقتضی است در اخذ تصمیمات و انجام اقدامات، افراط و تفریط صورت نپذیرد؛ افراط و تفریط، موجب نقض حسن نیت است. صداقت و سلامت فکر، پیگیری هدف مشروع، وجود تناسب بین کنش و واکنش و نیز رعایت جانب احتیاط، از شرایط تحقق حسن نیت است. شاید بتوان گفت اصل حسن نیت در حقوق کیفری، ناظر بر قصد پای بندی به جوانب مشخص شده‌ای است که قانون‌گذار رعایت آن‌ها را ضروری دانسته است.

طبق اسناد موجود، دادگاه‌های کامن‌لا معنای قضایی حسن نیت را گسترش داده‌اند و تلاش خود را صرف انطباق حکم با جوانب انصاف و اقتناع وجدان کرده‌اند. در این راستا و در جریان دادرسی، از گذشته اثبات موضوع اتهام بدون هیچ شک و شبهه معقول در کانون توجه واقع می‌شده است. دادگاه رسیدگی‌کننده به حقیقت باید بدون شک معقول، متقاعد شود که متهم خطاکار است؛ لذا هر دادگاه یا دادرسی که این قاعده را کنار گذارد یا تلاش کند که آن را زیر پا نهد، خطر قابل ملاحظه‌ای در زمینه نقض حکم یا تجدیدنظر فراهم می‌سازد. در نظام‌های کامن‌لا، به‌ویژه در کشورهایی همچون انگلستان و آمریکا، اثبات اتهام شخص پیش از صدور حکم محکومیت «بدون هیچ شک معقول»^۲ ضروری است؛ این موضوع به این معنی است که خطاکاری متهم باید بر اساس دلایل و واقعیت‌ها به‌طور منطقی، متعارف و با «اطمینان مطلق»^۳ از سوی مقام تعقیب یا هیئت‌منصفه به اثبات برسد. در فرضی که دادرسی یا هیئت‌منصفه تردیدی در

۱. نقدی که به این نظر وارد است آنکه نبود سوءنیت، لزوماً به معنای وجود حسن نیت نیست؛ چه، شخص ممکن است لاقضاء نسبت به خصیصه حُسن و سوء «نیت»، اقدامی را صورت دهد. ضمن آنکه چنین تمایزی جز در سایه تفکیک مفهوم انگیزه از نیت، صحیح نمی‌نماید.

2. Without any reasonable doubt
3. Absolut certainty



مورد خطاکاری متهم نداشته یا چنانچه شک آن‌ها غیرمنطقی باشد، خطای متهم «ورای شک معقول» ثابت شده و شخص باید مجرم شناخته شود. بر این پایه می‌توان گفت شک به معنای مصطلح در نظام حقوقی غرب، به مفهوم شبیهه در اصطلاح فقهی نزدیک است (موسوی مجاب و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۲).

لزوم اثبات خطاکاری بدون شک معقول^۱، از اواخر سده هیجدهم و به حکم دادگاه عالی جنایی به سال ۱۷۹۸ م. در انگلستان به مثابه یک قاعده حقوقی و اخلاقی، شناخته شد و به‌عنوان معیار استاندارد در جریان رسیدگی کیفری معرفی گردید (Whitman, 2005: 2-6). برخلاف محاکمات مدنی، هرگونه شک و شبیهه در جریان محاکمات کیفری به اعتبار مخاطرات غیرقابل‌جبران و ناشی از اعمال کیفر سخت همچون مرگ، به نفع متهم تفسیر می‌شود. حتی در فرض توازن احتمالات مبنی بر براءت و مجرمیت، متهم باید تبرئه شود. به هر رو، شرط محکومیت در یک دادرسی کیفری، وجود دلیل کافی مبنی بر مجرمیت - و نه حدس و گمان - است؛ در غیر این صورت، فرض بی‌گناهی^۲ حاکم است (Woods, 2008: 60-70).

در نظام حقوقی کشور ما نص صریحی در مورد حسن‌نیت و معیار سنجش آن وجود ندارد. از یک منظر و بر اساس قواعد کلی همچون احسان، ظهور و صحت می‌توان گفت اصل بر حسن‌نیت است. به همین دلیل است که بسیاری از فقها قول مدعی را حمل بر صحت کرده‌اند و در صورت عدم حضور مدعی‌علیه، صدور حکم غیابی را جایز دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۲۵ ه، ۱۷۷ و ۱۷۸). دادرسی بر اساس مقدمات رفتار فاعل، وضعیت روان‌شناختی وی، جنبه‌های عینی رفتار (اخلاقی و اجتماعی) و نیز حسن فعلی و فاعلی می‌تواند حسن‌نیت را در شخص شناسایی کند. از باب تقریب مطلب به ذهن

1. Beyond any reasonable doubt

۲. قاعده یاد شده، از جهاتی با قاعده درآ شباهت‌هایی دارد.

3. Presumption of Innocence



می‌توان سنجه‌های تشخیص یا شناسایی حسن‌نیت متهم را بر اساس ضابطه شخصی یا عینی^۱ در فرایند دادرسی - ضمن تأکید بر نقش مهم و کلیدی دادرسی - در قالب مصادیق پیش‌رو برشمرد: عدم غرض‌ورزی و تلاش برای اطلاع دادرسی، عدم تلاش برای طرح دعوی ایدایی، صداقت و اجتناب از خدعه، پرهیز از تقلب و تزویر یا تلاش به‌منظور فریب یا گمراه‌ساختن قاضی، خودداری از ارائه اسناد مزور یا دلایل واهی و نیز عدم تهدید یا آزار طرف دعوی و یا تطمیع مقام قضایی یا کارکنان دستگاه قضایی. از حسن‌نیت در حقوق کیفری، بیشتر به‌عنوان اصل حسن‌نیت یاد می‌شود. البته این‌گونه نیست که ضرورت وجودی و مقام ثبوتی یا اثباتی حسن‌نیت به مثابه یک اصل پایه در حقوق کیفری تنها در موضع اشخاص مظنون، متهم یا محکوم باید بررسی یا کنکاش شود؛ بلکه در موضع برتر و از سوی پلیس یا مقام قضایی اعم از دادستان، دادیار، بازپرس و دادرسی نیز باید ملحوظ نظر واقع شود. در اینجا است که باید گفت تعیین موقعیت حسن‌نیت در فرایند کیفری - از مرحله تعقیب، تحقیق، رسیدگی و صدور حکم تا اجرای آن - و احراز التزام کنشگران رسمی عدالت کیفری به رعایت آن، مبنای اساسی حمایت از حقوق شهروندی و تضمینی برای دادرسی منصفانه است.

در فرایند دادرسی کیفری، در دو مرحله پیش‌دادرسی و دادرسی، اصل حسن‌نیت باید نصب‌العین مقام قضایی باشد. حفظ حقوق فردی و اجتماعی به‌طور توأمان در فرایند دادرسی کیفری از پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است؛ زیرا از یک‌سو ضرورت صیانت از حقوق عامه و ترمیم خسارت بزه‌دیدگان ایجاب می‌کند که به‌سرعت آثار و دلایل ارتکاب جرم حفظ و گردآوری شود و از فرار یا اختفای متهمان جلوگیری شود و از سوی دیگر نگرانی‌هایی وجود دارد که در اثنای انجام اقدامات سریع مزبور، دقت و احتیاط فدای تعجیل در ضرورت تسریع انجام تحقیقات شود. نظر به اهمیت تحقیقات مقدماتی به‌ویژه اقدام به بازجویی، تضمینات حقوق دفاعی متهمان در راستای

1. Subjective or Objective Test



حمایت از اصل برائت به‌عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها، هنگام اعمال تحقیقات پیش‌بینی و مقرر شده است (مؤذن زادگان، ۱۳۸۹: ۳۰۱). در قانون مجازات برخی کشورها همچون کانادا، قانون‌گذار در جای‌جای قانون به حسن‌نیت و نقش آن در تضمین حقوق دفاعی مظنون یا متهم و عدم امکان محکومیت شخص تصریح داشته است که به برخی مواد آن در اینجا اشاره می‌شود: موجه‌انگاری اقدام هر مأمور صلحی که معتقد به حسن‌نیت بوده و بر مبنای ادله اقناع‌کننده در استفاده یا دستوردهی به استفاده از حداکثر قوای ممکن رفتار نموده است (بند ۱ ماده ۳۲) یا توجیه اقدام مبتنی بر حسن‌نیت یک مأمور در اطاعت از مقام مافوق در فرونشاندن یک شورش، مشروط به اینکه دستور آشکارا غیرقانونی نباشد (بند ۳ ماده ۳۲)، عدم امکان طرح هیچ دعوی کیفری یا حقوقی علیه یک شخص چنانچه گزارشی را با حسن‌نیت تهیه می‌کند (بند ۳ ذیل ماده ۸۳)، انتشار مطالب افترا آمیز^۲ به‌منظور درخواست جبران خسارت یا تظلم-خواهی، چنانچه با اعتقاد به صحت و نیز مستدل و مبتنی بر دلایل معقول باشد (ماده ۳۱۵)، پذیرش "دفاع حسن‌نیت" در صورت اظهار یا اثبات یک مطلب از سوی شخص بر اساس اعتقاد به یک موضوع در زمینه مذهبی (بند ۲ ذیل تبصره ۳ ماده ۳۱۹)، عدم محکومیت شخص در فرض اثبات اقدام بر اساس حسن‌نیت در مسیر معمول حرفه یا کارگماری خویش (بند ۲ ماده ۴۰۹). نگاه قانون‌گذار کیفری کانادا و تأکید وی حتی در قانون آیین دادرسی کیفری این کشور مبنی بر ضرورت تنظیم گزارش پلیسی و کیفرخواست بر اساس حسن‌نیت، انجام تحقیقات اولیه و گردآوری ادله بر مبنای حسن-نیت و رسیدگی بر اساس این اصل بنیادی، حاکی از اهمیت و رکنیت این اصل در فرایند کیفری دارد.

1. Criminal Code R.S.C., 1985, c.C-46
2. Defamatory Matters



۳. موقعیت اصل حسن نیت در فرایند کیفری و نقش آن در تضمین

حقوق شهروندی

امروزه حسن نیت به مثابه مانعی در برابر تضییع حقوق مظنونان، متهمان یا سوء- استفاده فرصت طلبان در فرایند کیفری تلقی می شود. در اغلب نظام های اروپایی، حسن- نیت در حقوق دادرسی سه کارکرد به شرح زیر دارد:

نخست، کارکرد تفسیری و اصولی که بر بسیاری از اصول و قواعد دادرسی از جمله اصل تناظر دعوای متداعیین سایه افکنده و به آن ها جهت می بخشد؛

دوم، کارکرد تصحیحی، در جهت اصلاح و تعدیل قوانین و مقررات غیرقابل انعطاف؛

سوم، کارکرد تکمیلی به منظور شناسایی حق از باطل توسط دادرس متخصص و باتجربه در فرض سکوت، نقص یا ابهام حکم قانون گذار (انصاری و دهقانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۲۲).

به هر رو، اصل حسن نیت از اصول کلی حقوقی مورد اذعان در نظام های مترقی حقوقی است و اصلی پذیرفته شده و جدایی ناپذیر از پیکره نظام دادرسی آن ها تلقی می- شود^۱ و در قوانین داخلی و بین المللی مورد تصریح واقع شده است. از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، دادرسی منصفانه شامل کلیه مراحل دادرسی از کشف تا اجرای حکم می شود و در نتیجه رعایت اصل حسن نیت نه تنها مرحله محاکمه در دادگاه را شامل می شود، بلکه رعایت آن در مراحل پیش از رسیدگی اصلی در دادگاه، یعنی مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی نیز ضروری است. بر این اساس، هر مرجعی که دارای کارکرد و نقش قضایی باشد، مکلف است در رسیدگی های خود تضمینات دادرسی منصفانه را - که رعایت اصل حسن نیت از ضروریات آن است - اجرا نماید

۱. برابر ماده ۲۲۶۸ قانون مدنی فرانسه: «فرض، همواره بر حسن نیت است و کسی که به سوء نیت استناد می کند باید آن را ثابت کند». ماده ۵۲ ق.آ.د.م. سوئیس نیز مقرر می دارد: «همه کسانی که در دادرسی شرکت می کنند، باید بر اساس حسن نیت رفتار کنند».



(موسوی مجاب، ۱۴۰۱: ۲۸۹). رعایت اصل حسن‌نیت زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که در جریان رسیدگی به برخی جرائم، دیدگاه‌ها یا متغیرهای اثرگذار فراقانونی حاکم باشد و احتمال تضییع حقوق شهروندی را بالا ببرد. دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی در سایه سیاست جنایی استجازه‌ای یا شعب ویژه رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی که گاه در جریان وقایع خاص برپا می‌شوند، از آن دست محاکمی هستند که با چالش حاکمیت اصل حسن‌نیت در روند دادرسی مواجه بوده‌اند. به هر رو فرایند کیفری، چرخه پیچیده، پیوسته و درهم‌پیچیده‌ای است که نادیده‌انگاری یا نقض اصل حسن‌نیت در هر مرحله از آن، سایر مراحل را از احتمال آسیب در امان نمی‌دارد.

۳-۱. اصل حسن‌نیت در مرحله پلیسی

به موجب ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد». هنگامی که جرمی مورد ارتکاب واقع می‌شود، برای اجرای عدالت، رویارویی شهروندان با نهادهای عدالت کیفری گریزناپذیر است. این رویارویی، از مرحله پلیسی و در اصطلاح حقوقی در نتیجه تقابل مظنون و ضابطان دادگستری آغاز می‌شود. در اهمیت مرحله پلیسی و ضرورت نگاه مثبت و سازنده پلیسی به مثابه سنگ

۱. تفصیل مطلب در زمینه موقعیت اصل حسن‌نیت در هر یک از مراحل مورد بحث، مقتضی طرح بحث مستقل و گسترده در حد یک رساله است.



بنای شکل‌گیری یا جهت‌دهی پرونده قضایی در اغلب دعاوی کیفری تردیدی نیست. نادیده‌انگاشتن یا کنار گذاشتن جانب حسن‌نیت از سوی پلیس در معنای عرفی و ضابطان دادگستری در اصطلاح حقوقی، خط سیر منطقی یک پرونده را از همان آغاز با مانع روبه‌رو می‌سازد و می‌تواند فرجام مخاطره‌آمیزی برای یک شخص در پی داشته باشد. در ذیل به اختصار به اهمیت وجود حسن‌نیت در مرحله کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و نیز مواجهه با مظنونان اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. کشف جرم و جمع‌آوری دلایل

علی‌القاعده، شالوده پرونده‌های کیفری در مرحله پلیسی شکل می‌پذیرد. بازجویی از مظنونان و متهمان به‌منظور کشف جرم و جمع‌آوری دلایل اتهامی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا متعاقب بازجویی ممکن است قرار تأمین صادر شود که خود منتهی به تضییق حقوق و آزادی‌های اساسی و به‌ویژه سلب آزادی شخص به‌طور موقت شود. ناگفته پیداست که این محدودیت و سلب آزادی در برخی موارد، خلاف اصل حسن‌نیت است؛ در اینجا است که تکلیف مقام قضایی در تحقیق و تفحص پیرامون جوانب امر و احراز صحت گزارش ضابطان و دقت ایشان در تنظیم آن اهمیت می‌یابد.

توجه به اصل حسن‌نیت در مرحله تحقیقات پلیسی، از ارتکاب رفتارهای غیر کرامت‌مدارانه، شتاب‌زده و احساسی که منجر به آسیب‌های فراوان نسبت به باور و اعتماد عمومی می‌شود جلوگیری می‌کند. در مباحث آتی، موضوع یاد شده در چند حوزه به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) حقوق دفاعی مظنون در مرحله تحت نظر

تحت نظر، مرحله‌ای است که مظنون در بازداشت نیروهای پلیس به سر می‌برد. شخص تحت نظر به دلیل برخی محدودیت‌ها و شرایط از جمله جلسات استماع متعدد از سوی مأموران پلیس در وضعیتی ناپایدار، بغرنج و در موضع ضعف قرار دارد. در مرحله تحت نظر، ضابط با چالشی جدی بین دو موضوع، یعنی تضمین حقوق مظنون



از یکسو و حفظ امنیت عمومی از دیگر سو مواجه است؛ ضمن آنکه، اصولاً در این مرحله نظارت مقام قضایی محدود بوده و بسیاری از تضمینات حقوقی، قابل اجرا نیست. در این مرحله است که مظنون باید توان و امکان بهره‌مندی از حقوق دفاعی و نیز دفاع مبتنی بر حسن‌نیت داشته باشد. درعین حال بر پایه اصل برائت و پیش‌فرض بی‌گناهی، مواجهه غیر جانب‌دارانه و منصفانه‌ای با مظنون باید صورت پذیرد. در سایه اصل برائت، شرط محکومیت در یک دادرسی کیفری، رعایت پیش‌فرض بی‌گناهی و اصل حسن‌نیت و نیز وجود دلایل کافی مبنی بر مجرمیت است.

ب) رعایت حقوق اساسی و شهروندی متهم

حقوق شهروندی از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومت‌ها سعی در رعایت آن دارند. از آنجایی که پرونده کیفری توسط ضابطان در نهاد تعقیب و تحقیق کلید می‌خورد و مجموعه‌ای از اقدامات اساسی در زمان تحت نظر قرار گرفتن مظنون انجام می‌پذیرد، عدم آگاهی از حقوق شهروندی و حقوق مظنون تحت نظر، آسیب‌های جدی و گاه جبران‌ناپذیری را به فرایند کیفری وارد می‌سازد (وروائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۶)؛ لذا در جهت کاهش این آسیب‌ها در روند دادرسی، آموزش و تعهد ضابطان، دو عنصر محوری است که تأمین آن‌ها امری ضروری می‌باشد. همچنین حفظ کرامت و ارزش والای انسان‌ها و احترام به آزادی‌های قانونی آن‌ها همواره با رعایت اصول و مبانی اعتقادی همراه بوده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به توافقی کردن امر تحقیق و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعوا، توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم، کاهش موارد لطمه به آزادی وی اشاره نمود (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۱۳). بر این اساس اصل حسن‌نیت به مثابه یک سازگار در مقام و پیشگاه ضابطان مبنی بر نبود قصد تعدی و تجاوز از حقوق اساسی و آزادی‌های فردی، امروزه نقش اثرگذاری در فرایند دادرسی کیفری ایفا می‌کند.

ج) رعایت حقوق مظنون و متهم در جریان تحصیل دلیل

تمامی مراحل تحصیل دلیل از متهم دارای اهمیت فوق‌العاده است که تخطی از آن،



نقض صریح قانون و موجب مسئولیت خواهد بود (مدنی، ۱۳۸۰: ۲۴۲). به همین دلیل ضابط دادگستری باید به گونه‌ای عمل کند که با احتمال بی‌گناهی مظنون یا متهم همخوانی داشته باشد؛ چون رفتار مشکوک ما با رفتار مجرمانه یکی نیست. صلاحیت اتخاذ تصمیم در مورد اقدامات محدودکننده برای متهم به قاضی واگذار شده است. قاضی از استقلال رأی برخوردار است و باید به دور از کلیشه‌های ذهنی منفی، با حسن‌نیت و خارج از سلطه دادرسی فرمانی، به رعایت حقوق متهم توجه نماید.

ه) احترام به حیثیت متهم

از منظر حقوق اسلامی حیثیت، کرامت و شخصیت فردی و اجتماعی شخص تحت‌نظر و متهم، باید رعایت شود. ضابطان باید در همه عرصه‌ها مراقب رفتار، گفتار و حتی دل‌مشغولی‌های خویش باشند (ورایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶). بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی «درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص رفتار شود». با توجه به ضرورت احترام به حیثیت متهم در فرایند دادرسی کیفری و رعایت آن در مرحله پیش از رسیدگی، تضمینات دادرسی عادلانه که رعایت اصل حسن‌نیت از ضروریات آن است باید اجرا شود.

۳-۲. مواجهه با مظنونان

اولین برخورد پلیس با مظنونان هنگامی است که دلایلی وجود دارد که جرمی ارتکاب یافته و شخص خاصی جرم را مرتکب شده است. پلیس به‌عنوان پاسدار نظام عدالت کیفری، در گام نخست با بزه‌کار و بزه‌دیده به تعامل می‌پردازد. افسران پلیس در تمامی مراحل دستگیری مظنونان، جمع‌آوری ادله و تکمیل پرونده و نیز مواجهه با انواع بزه‌دیدگان در جرائم مختلف در خصوص ثبت شکایات و ارجاع آن‌ها به نهادهای عدالت کیفری، باید تعاملی مبتنی بر شفقت را در دستور کار خود قرار دهند تا با به رسمیت شناختن اصل حسن‌نیت، عدالت همراه با شفقت را محقق نمایند. یکی از جلوه‌های ضروری نگاه شفقت‌محور همراه با حسن‌نیت در عملکرد پلیس را می‌توان در تجمعات



و اعتراضات اخیر و برخورد نیروی انتظامی با معترضان بازداشتی مورد توجه قرار داد.

۲-۳. اصل حسن‌نیت در مرحله اتهامی

در خصوص موقعیت اصل حسن‌نیت در مرحله اتهامی می‌توان به برخورداری از تضمین‌های دفاعی و حق متهم مبنی بر دفاع^۱ [حسن‌نیت] - که از اساسی‌ترین شاخصه‌های دادرسی عادلانه است - اشاره نمود. حسن‌نیت هم در اندیشه متهمان و هم در نگاه کنشگران رسمی نظام عدالت کیفری به‌ویژه مقام‌های تعقیب و تحقیق می‌تواند نقش اساسی ایفا کند.

از تضمینات دفاعی متهم، بهره‌مندی از حق دفاع در جهت اثبات بی‌گناهی یا فقدان سوءنیت است. اثبات اعتقاد بر پایه باورمندی مذهبی، اقدام بر اساس حسن‌نیت و استدلال در زمینه نبود اندیشه شرورانه از سوی متهم، نقش مؤثری در سرنوشت پرونده کیفری، نوع قرار و شدت آن یا تصمیم مقام قضایی در مرحله تعقیب و تحقیق دارد.

اینکه با چه نگاهی و بر اساس چه اتهامی شخصی تحت تعقیب یا مورد تحقیق قرار گیرد و نیز اینکه در مرحله تعقیب و تحقیق چه رویکردی با چه هدفی حاکم باشد، از دغدغه‌های جدی در ابتدای فرایند دادرسی است. دادستان، بازپرس و دادیار به نوعی جاهل به مخاطراتی هستند که در خصوص آن‌ها اقدام به اخذ تصمیم قضایی می‌نمایند؛ با این وجود، ضمن تحقیق و تدقیق، باید در کمال حسن‌نیت و در راستای هدف مشروع پاسداشت منافع عمومی به تکلیف خود عمل کنند. این مهم به‌ویژه در مورد دادستان و بازپرس گاه در مواضعی نقش حیاتی می‌یابد؛ از باب نمونه، مخاطرات ناشی از اتخاذ

۱. برای نمونه در این زمینه رک. بند ۲ ذیل تبصره ۳ ماده ۳۱۹ قانون مجازات کانادا تحت عنوان دفاعیات (Defences).



تدابیر شتاب زده یا توجیه ناپذیر از رهگذر تمسک به اقتدار قضایی و در پرتو تجویز قانونی، مانند آنچه به حکم قانون گذار در ماده ۱۱۴ ق.ا.د.ک. مورد تصریح واقع شده است، بسیار و در مواردی زیان‌های ناشی از آن‌ها غیرقابل جبران است. دستور توقف تمام یا قسمتی از فعالیت تحت لوای تدابیر تأمینی پیشگیرانه بازپرس - با تأکید بر نقش حمایتی وی در برابر فعالیت‌های مضر به منافع عمومی - برابر حکم صریح ماده پیش- گفته، بدون تعیین ضمانت اجرایی برای جبران خسارت یا رد غرامت به کارگاه، کارخانه یا شرکت تجاری در فرضی که برخلاف مدعای بازپرس، فعالیت آن مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی^۱ نبوده، یا اینکه ادعای مذکور بر قرائن معقول و ادله مثبت استوار نبوده و اساساً متضمن «احتمال» ارتکاب اعمال مجرمانه هم نبوده، می- تواند بسیار زیان‌بار و خطرناک باشد؛ این مخاطره‌آمیز بودن در جایی که جانب حسن- نیت به دلایلی کنار گذاشته می‌شود، بیشتر است. موقعیت حقوقی مقام تعقیب یا تحقیق و تشخیص قضایی وی، به مثابه یک امانت شهروندی، نباید حمل بر توانایی قائم به فرد شود؛ بنابراین، سوءاستفاده از این موقعیت، سوءاستفاده از اختیار است. حسن نیت در معنای عام اقتضا دارد در تصمیمات و اقدامات، افراط و تفریط صورت نپذیرد؛ به دیگر سخن، افراط و تفریط موجب نقض حسن نیت است. صداقت، پیگیری یک هدف مشروع، وجود تناسب و رعایت احتیاط، چهار شرط اساسی برای احراز حسن نیت مقام قضایی است. طبق نظامنامه خط‌مشی دادستانی در انگلستان^۲ به تاریخ اجرای یکم مارس ۲۰۱۸، دادستان باید از اختیارات خود منصفانه، بی‌طرفانه، با حسن نیت و با توجه به بالاترین استانداردهای اخلاقی استفاده کند.

در ایالات متحده امریکا اعمال قدرت توسط مقام تعقیب، «عدالت خودسرانه»^۳

۱. نقد وارد به تعابیر کلی، تفسیرپذیر و غیر شفاف «سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی» در جای خود قابل بررسی است.

2. Crown Counsel Policy Manual
3. Arbitrary Justice



نامیده شده است. گفته می‌شود هیچ مقام عمومی دیگر، از قدرتی به این میزان نظارت-ناپذیر بهره نمی‌برد. تصمیم دادستان به مثابه پلیس کیفری، اساساً نظارت‌ناشده است و علم حقوق نیز قادر نبوده این تصمیم را تحت ضابطه درآورد (See: Kinports, 2014). چالش عدم نظارت قضایی بر قدرت دادستان و آزادی عمل او، در هر حال معضل بزرگی است که خطر نادیده‌انگاری یا کنارگذاری جانب اصل حسن‌نیت در مقام تعقیب را می‌تواند در پی داشته باشد.

۳-۳. اصل حسن‌نیت در مرحله رسیدگی

معمولاً آنگاه که سخن از موقعیت اصل حسن‌نیت در حقوق کیفری می‌شود، آنچه پیش از هر مطلب دیگری به ذهن تداعی می‌شود بحث کاربست نهادهای ارفاقی یا حقوقی از جمله معاذیر قانونی، کیفیات مخفّقه و اسباب اباحه رفتار ارتكابی در فرض اثبات حسن-نیت مرتکب رفتار مجرمانه است. بحث یادشده، عمدتاً بخش محوری پژوهش‌های کیفری را به خود اختصاص داده است (موسوی‌مجاب، ۱۴۰۱: ۲۹۴ به بعد). به صورت موردی و در قالب مثال می‌توان گفت نیت نماینده مجلس در اظهارنظری که حسب ظاهر شاید متضمن افترا، نشر اکاذیب یا تشویش اذهان عمومی تلقی شود، اصولاً خیرخواهانه و برای اصلاح ساختار اجرایی است و لذا قانون‌گذار با قبول پیش‌فرض حسن‌نیت در مورد اظهارات نمایندگان و ممانعت از کاهش صراحت اظهارنظر ایشان، تحقق این‌گونه جرائم را منتفی می‌داند؛ همچنان‌که در سایر کشورها این اعتقاد، وجود دارد (جنتی، بی‌تا: ۷۳). اصل حسن‌نیت در رسیدگی کیفری به اتهامات نمایندگان مجلس، بعضاً از سوی مقام‌های قضایی مورد توجه واقع می‌شود؛ برای نمونه، در دادنامه‌ای به شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۳۰۹۰۱۰۹۱ و در جریان رسیدگی به اتهامات آقای م. ص.، نماینده سابق تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ در شعبه ۱۰۵۷ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی کارکنان دولت در تهران برگزار گردید، در خصوص بخشی از اتهامات وارده به



مشاره‌ایه (نشر اکاذیب متعدد و توهین به یک مقام قضایی) چنین نظر داده شد که «دادگاه من حیث‌المجموع، سوءنیت مجرمانه متهم را در بیان مطالب انتسابی احراز ننموده، فلذا به استناد اصل ۳۷ ق.ا. [اصل برائت] و ماده ۱۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ [عروض شبهه دارئه] و ماده ۴ ق.ا.د.ک. [اصل برائت و لزوم احترام به کرامت و حیثیت اشخاص] حکم به برائت ایشان صادر و اعلام می‌نماید» (موسوی مجاب، ۱۳۹۹: ۱۱۹). لزوم اثبات محکومیت شخص بر اساس دلایل قطعی و نیز تأکید بر فرض بی‌گناهی متهم در جریان محاکمات کیفری تا جایی است که در کشورهای تابع نظام کامن‌لا، هرگونه تردید در زمینه مظنون بودن فرد در جریان دادرسی، اثبات واقعیت را با مانع روبرو می‌سازد؛ به دیگر سخن، فرض بی‌گناهی متهم در مواجهه مقام قضایی، دائرمدار حسن‌نیت یا عدم احراز سوءنیت است (موسوی مجاب، ۱۴۰۱: ۲۸۷). با این وجود، موقعیت اصل حسن‌نیت در جریان دادرسی کیفری و در ارتباط با دادرسی را نمی‌توان نادیده گرفت. انسان بماهو انسان، در هر مقام یا موقعیتی، از اندیشه سوء، مغرضانه، سوگیرانه یا دور از حسن‌نیت مبرا نیست. آنچه ضروری می‌نماید تعهد وجدانی مبنی بر پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای و نصب‌العین قرار دادن اصل حسن‌نیت به‌ویژه در مقام دادرسی است. امروزه رسیدگی مبتنی بر حسن‌نیت به مثابه یک اصل نانوشته، اما نهادینه در روند دادرسی‌های کیفری مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. تلاش دادرسان کیفری در رعایت اصل مذکور، در قالب کیفیت انشای رأی، نوع و میزان محکومیت و نیز هدفمندی در اختیار مجازات جلوه‌گر می‌شود. با آنکه معمولاً دادرسان ضمن انشای رأی اشاره یا تصریحی به اصل حسن‌نیت ندارند، لیکن حسب محتوای دادنامه کیفی انشاء شده، ذهن را به این مهم معطوف می‌دارند. البته، برخی دادرسان کیفری ضمن رأی صادره به تصریح اصل حسن‌نیت و دادرسی شفقت‌مدار را مورد اشاره قرار می‌دهند.

در بخشی از دادنامه بدوی صادره از سوی شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شهرستان فارسان به شماره ۱۴۰۱۳۲۳۹۰۰۰۳۱۱۵۷۶۶ در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ در خصوص



«اتهام اخذ رشوه» از سوی متهم (پزشک و فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری)، چنین آمده است: «...باید قضاوت بر رحمت و شفقت [مبتنی] باشد. از آثار و تبعات نظریه قضای رحمت‌مدار و قضای شفقت‌مدار، استخراج اصل حسن‌نیت از این نوع از قضا می‌باشد. در حقوق جزای کشور ایران، سوءنیت تبیین و تدریس می‌گردد؛ لیکن در مورد حسن‌نیت مقرره‌ای بیان نشده است؛ این در حالی است که نظام کیفری کشور ایران بر مبنای احکام اسلامی پایه‌ریزی شده است. از زمره آثار اصل حسن‌نیت در خصوص قاضی، صدور حکم و الزام به قضاوت فضیلت‌مند[انه] و اخلاق‌مدار[انه] می‌باشد. از جمله تبعات رعایت اصل حسن‌نیت، خروج از نص‌گرایی (شکل‌گرایی) محض و قضاوت بر مبنای اصول اساسی و حاکم بر ظروف قانونی است. شکل‌گرایی، قسمی از اقسام نشانه‌شناسی است که در برابر معناشناسی قرار می‌گیرد. نصوص آن‌طور که باید و شاید نمی‌توانند عدالت و انصاف را در خود بیان [دارند] و در عالم خارج محقق سازند؛ به همین دلیل، به نظر می‌رسد جنبش معناشناسی نسبت به نشانه‌شناسی و شکل‌گرایی، بهتر بتواند در جهت اجرای عدالت گام بردارد...». در ادامه رأی، ضمن تأکید بر اهمیت مفاهیم عدل، عقل، حمایت حداکثری از حقوق و آزادی‌های بنیادی در جریان دادرسی کیفری و توجه دادرس به واقعیت‌های اجتماعی، بر لزوم پای‌بندی به اصل حسن‌نیت تأکید شده و در نهایت، حکم به محکومیت در حق شخص با رعایت جمیع جهات ارفاقی شده است.

در دادنامه صادره از سوی شعبه چهارم دادگاه عمومی بخش چهارباغ به شماره ۹۸۰۰۹۹۷۳۰۵۷۷۰۲۰۸۰ به تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۷ در مورد اتهام «اخلال در نظم و آسایش عمومی»، دادرس پرونده ضمن استدلال، بیان داشته است: «در رابطه با اعلام جرم پلیس امنیت و اطلاعات شهرستان [علیه متهمان] به اتهام اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق راه‌بندی در جاده قزل‌حصار مورخ ۲۵ آبان ۱۳۹۸ که هر دو متهم، راننده ماشین سنگین بوده و هنگام عبور از جاده در پشت جمعیت معترضی که ماشین‌های خود را وسط خیابان در اعتراض به افزایش قیمت غیرمعقول، خارق‌العاده و



ناگهانی بنزین پارک کرده بودند متوقف شده‌اند، صرف‌نظر از دفاعیات ایشان [مبنی بر عدم امکان حرکت و دور زدن ...]، بزه اتهامی از جرائم مقید به نتیجه محسوب شده [که می‌بایست مقرون به هیاهو و جنجال و حرکات غیرمتعارف برابر ماده ۶۱۸ ق.م.ا. می‌بوده، ضمن آنکه بی‌تدبیری دولت در اجرای یک طرح، غیر کارشناسی بوده است... و بنابراین] ارتکاب رفتار مورد تصریح قانون‌گذار از سوی متهمان منتفی است؛ چرا که اعتراض غیرمسلحانه به حکمرانی نامطلوب از مؤلفه‌های اساسی حدود آزادی مصرح در اصل ۲۷ ق.ا. کشورمان بوده... لذا رفتار متهمان را با توجه به اوضاع و احوال آن روزها متعارف ارزیابی کرده و منطبق بر نافرمانی مدنی... دانسته و نظر به عدم احراز رفتار مجرمانه... با رعایت اصل ۳۷ ق.ا. و ماده ۴ ق.ا.د.ک. حکم براءت صادر و اعلام می‌دارد... در این دادنامه نیز نگاه مستقل دادرسی و تلاش در جهت رد عنوان اتهامی حول محور اصل حسن‌نیت درخور توجه است.

۴. نتیجه‌گیری

اصل حسن‌نیت، به مثابه شالوده‌ای است که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن، بنیان حقوق کیفری را سست و لرزان می‌کند. حسن‌نیت به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی در همه شاخه‌های حقوقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما در حقوق کیفری ماهوی و شکلی به گونه‌ای بایسته مورد توجه قانون‌گذار کیفری و کنشگران رسمی نظام عدالت کیفری قرار نگرفته است. در نظام حقوقی ایران، موقعیت اصل یادشده در فرایند دادرسی کیفری در مرحله پیش‌دادرسی و در مرحله دادرسی عملاً مغفول واقع شده است. در قوانین شکلی و ماهوی برخی کشورهای غربی و عربی مفهوم حسن‌نیت، جلوه‌ها و سنجه‌های تشخیص آن، دفاعیات مبتنی بر حسن نیت از سوی متهم، دامنه و شکل تأثیر آن بر محکومیت مرتکب، نحوه اثبات وجود حسن‌نیت در اندیشه و عمل متهم از سوی مقام قضایی به شکل‌های مختلف تبیین شده است؛ ضمن آنکه در عمل و در رویه قضایی بسیاری از کشورها تعهد مقام قضایی به اصل حسن‌نیت مورد تأکید قرار گرفته و برای نمونه در جریان تفسیر قضایی از مواد قانونی، قاضی مکلف به



رعایت جانب حسن‌نیت شده است. دادرسی منصفانه نیز با پایش نظارتی از راه‌های مختلف به‌ویژه پیش‌بینی نهاد نظارت بر امر تعقیب و تحقیق مورد تضمین واقع شده است.

اگرچه حسن‌نیت فاقد همتای هنجاری در قوانین کیفری است، با این وجود و به‌رغم عدم تصریح قانون‌گذار کیفری به آن در ایران، بر اساس دکترین حقوقی، موقعیت خود را در دادرسی‌های کیفری تا حدی حفظ کرده است. توجه مقام قضایی به اصل حسن‌نیت در هر مرحله از فرایند کیفری، نقش مهمی در سرنوشت پرونده خواهد شد. تصمیم قضایی در قالب دستور، قرار یا حکم، در سایه اصل حسن‌نیت شکل متمایزی می‌یابد. در دکترین حقوق کیفری، اصل حسن‌نیت تنها در ارتباط با متهم پرونده یا محکوم - در زمان تبدیل، تغییر یا تعدیل مجازات - مجال طرح نمی‌یابد؛ چه، این اصل هم در ارتباط با متهم، هم شاکی و هم کنشگر رسمی نظام عدالت کیفری - خواه پلیس، مقام تعقیب یا تحقیق و دادرس نیز محل بحث است. برخی چنین می‌پندارند که حسن‌نیت متهم فقط برای توجیه چرایی کاربست نهادهای ارفاقی، حقوقی یا تعدیل بار کیفر است؛ به همین دلیل معاذیر قانونی، کیفیات مخفّفه و اسباب اباحه رفتار ارتكابی را در سایه وجود حسن‌نیت مرتکب جرم قابل توجیه می‌دانند. این در حالی است که باید گفت اصل حسن‌نیت در فرایند دادرسی کیفری - از مرحله پلیسی تا رسیدگی و حتی اجرای حکم - موقعیت ویژه و تثبیت‌شده‌ای دارد. تیرئه بسیاری از مظنونان یا متهمان و معافیت از کیفر بسیاری از محکومان، با اثبات حسن‌نیت ایشان امکان‌پذیر است؛ همچنان‌که درک چگونگی صدور قرارهای سنگین یا چرایی فرارفتن از مجازات حداقلی و اختیار مجازات حداکثری اصولاً با حسن‌نیت مقام قضایی در رسیدگی به پرونده گره می‌خورد. تضییق دامنه جمعیت مظنونان و متهمان، کاهش حجم پرونده‌های قضایی، کاهش تعداد محکومان و زندانیان و نیز تحکیم موقعیت دادرسی منصفانه نیز از پیامدهای توجه به اصل حسن‌نیت است. در مجموع، توجه به اصل حسن‌نیت در مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری، نقش مؤثری در سرنوشت پرونده کیفری دارد.



امروزه، مدیریت‌گرایی کیفی صرف و نگاه سیستمی به فرایند کیفی مورد انتقاد جدی واقع شده است. به چالش کشیده شدن فرض برائت و اصل حسن‌نیت در برخی حوزه‌ها از جمله جرائم ضد امنیت ملی و جرائم اقتصادی تحت لوای دکترین حقوق کیفی دشمن‌مدار، از دغدغه‌های جدی حاضر است. تأثیر کلیشه‌های ذهنی بر اندیشه مقام قضایی، عوام‌گرایی کیفی، بازنمایی‌های رسانه‌ای و اعمال نفوذ قضایی، از موانع پیش‌روی اصل حسن نیت در جریان دادرسی است.

با توجه به جهات پیش‌گفته، ضرورت اهتمام قانون‌گذار کیفی به مفهوم و مدلول حسن‌نیت نمایان می‌شود. تا زمانی که موقعیت اصل حسن‌نیت در فرایند دادرسی کیفی شناسایی نشود و ضمانت اجرای صریحی برای نقض یا نادیده‌انگاری آن لحاظ نگردد، تردید در سلامت دادرسی، استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی به‌ویژه در پرونده‌های خاص امنیتی و اقتصادی همچنان وجود خواهد داشت.

۵. منابع

۱-۵. منابع فارسی

الف) کتب

۱. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفی*، تهران: انتشارات پایدار، ج ۱ و ۲.
۲. موسوی مجاب، سید درید و محمدجعفر حبیب‌زاده، (۱۳۹۹). *بررسی تحلیلی و تطبیقی مصونیت پارلمانی از منظر حقوق کیفی*، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۳. وروائی، اکبر؛ رسول بهرامی‌پور و محمد احسان یراکوهی، (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی حقوق متهم تحت‌نظر*، چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی.

ب) مقالات

۴. امیدی، جلیل و مرتضی عارفی (۱۳۹۹). «ارزیابی کلیشه‌های ذهنی کنشگران



پژوهش‌های حقوق تطبیقی / تابستان ۱۴۰۲ / دوره ۲۷ / شماره ۲ / پیاپی ۱۲۰ / صص ۷۰-۱۰۰

- رسمی عدالت کیفری نسبت به متهمان فقیر»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۲۵، ش ۸۹، صص ۱۶۰-۱۳۹.
۵. انصاری، علی و حسین دهقانی، (۱۳۹۶). «حسن نیت در حقوق دادرسی»، *دو فصلنامه حقوق اداری*، سال چهارم، ش ۱۲، صص ۱۳۳-۱۰۹.
۶. جنتی، حمید (بی‌تا). «مصونیت پارلمانی»، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، دوره جدید، شماره ۶، شماره پیاپی ۱۷.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ سیّد درید موسوی مجاب و عرفان خرمی عراقی، (۱۳۷۹)، «کاوشی در بایسته‌های اعمال قاعده درأ در اجرای مجازات از منظر فقه جزایی و حقوق موضوعه»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۲، ش ۳، صص ۸۲-۵۷.
۸. ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، ش ۶، صص ۱۳۶-۱۱۳.
۹. سمائی، مهدی؛ محمدجعفر حبیب‌زاده و رحیم نوبهار، (۱۴۰۱). «قاضی فضیلت- مند؛ سهم فضیلت‌گرایی در نظریه قضاوت»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۶، ش ۱۱۸.
۱۰. بیات کمیتیکی، مهناز و مهدی بالوی (۱۳۹۵). «روش حل تعارض حقوق فردی و منافع جمعی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۷۷.
۱۱. موسوی مجاب، سیّد درید (۱۴۰۱). «بررسی جایگاه و نقش اصل حسن‌نیت در حقوق کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۶، ش ۱۲۰.
۱۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹). «تضمینات حقوق دفاعی متهمان در امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۲۸.

ج) پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها



۱۳. انصاری، علی (۱۳۸۴)، *حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه*، رساله برای اخذ مدرک دکتری، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. قاسمی کهریزسنگی، راضیه (۱۳۹۴)، *مدیریت‌گرایی در فرایند کیفری ایران: بسترهای ظهور، پیامدها و چالش‌ها*، رساله برای اخذ مدرک دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
- (د) آراء
۱۵. دادنامه شماره ۱۴۰۱۳۲۳۹۰۰۳۱۱۵۷۶۶، به تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۳۰، صادره از سوی شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شهرستان فارس.
۱۶. دادنامه شماره ۹۸۰۰۹۹۷۳۰۵۷۷۰۲۰۸۰، به تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۷، صادره از سوی شعبه چهارم دادگاه عمومی بخش چهارباغ.

۲-۵. منابع عربی

الف) کتب

۱۷. *نهج البلاغه*، کلمات قصار: سخن ۳۶۶ (۱۳۸۷)، ترجمه و توضیح: مصطفی زمانی، قم: انتشارات فاطمه الزهراء (س)، ج ۷.
۱۸. ابن منظور، جمال الدین محمد مکرم (۱۹۶۸)، *مجمع اللسان العرب*، بیروت: دار صادر للطباعة، ج ۱۳.
۱۹. کورتو، جیرار (۱۹۹۸)، *مُعجم المصطلحات القانونية*، ترجمه منصور القاضی، ط ۱، بیروت: المؤسسة الجامعیة.
۲۰. غالب، حنا (۲۰۰۳)، *کنز اللغة العربیة*، ط ۲، بیروت: مکتبه لبنان.
۲۱. المجلسی، محمدباقر (۲۰۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الجزء السابع والستون.
۲۲. نجیب حسنی، محمود (۱۹۶۲)، *أسباب الإباحة فی التشريعات العربیة*، القاهرة: دون اسم المطبعه.



۲۳. النجفی، محمدحسن (۵۱۴۲۵)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، الإصدار الثاني، قم: البرمجيات الفقهية «المعجم»، المجلد الرابع.

ب) مقاله

۲۴. عبدالأمیر مظلوم الخزرجی، رغد (۲۰۱۴)، «مبدأ حُسن النية فی تنفيذ المعاهدات الدولية»، عراق: مجلة *الديالى*، العدد الرابع و الستون.

ج) الرسالة

۲۵. لطيف مطشّر الزبيدي، دلال (۲۰۰۹)، *مبدأ حُسن النية وأثره في العقاب: دراسه مقارنة*، رساله مقدّمه إلى مجلس كلية القانون جامعه بابل وهي جزء من متطلبات درجه الماجستير في القانون العام، بإشراف الدكتور محمدعلي سالم، جمهورية العراق: وزاره التعليم العالي والبحث العلمي، جامعه بابل، كلية القانون.

۳-۵. منابع انگلیسی

A) Books

26. Campbell Black, Henry (1990), *Black's Law Dictionary*, 6th ed., U.S.A, West Publishing Co.

27. Treitel, Guenter Heinz (2003), *The Law of Contract*, 3th ed., London: Sweel & Maxwell.

28. Whitman, James Q.; *the Origins of "Reasonable Doubt"*, Yale Law School, Legal Scholarship Repository, 3-1, 2003.

29. Treitel, Guenter Heinz (2003), *The Law of Contract*, 3th ed., London: Sweel & Maxwell.

B) Articles

30. Kinports, Kit (2014), "Feminist Prosecutors and Patriarchal States," *Criminal Law and Philosophy*, Vol. 8, Issue: 3.

31. Nagel, S. (1962), "Judicial Backgrounds and Criminal Cases", *Journal of Criminal Law, Criminology & Police Science*, 53(3), pp. 333-339.

32. Songer, D. R. & Tabrizi, S. J. (1999), "The Religious Right in Court: The Decision Making of Christian Evangelicals in State Supreme Courts", *The Journal of Politics*, 61(2), pp. 507-526.



33. Woods, John (2008), “Beyond Reasonable Doubt: An Abductive Dilemma in Criminal Law”, *Informal Logic*, Vol. 28, No. 1, pp. 60-70.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



The Status of the Good Faith Principle in Criminal Proceedings

Seyed Doraid Mousavi Mojab¹ & Zahra Shirazi Fordoei²

1. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
2. Ph.D. student in Criminal law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom branch, Iran

Receive: 2022/05/14 Accept: 2023/09/06

Abstract

Good faith as an essential principle in substantive and procedural criminal law, can be discussed not only in the context of justifying the exercise of legal institutions including justifiable causes, legal excuses and mitigating factors for the crime perpetrator, but also in criminal proceedings, from the police stage to the investigation stage and even the execution of the sentence, have a special position. Though in the legal literature and in the criminal laws of many countries, explicitly or implicitly, the principle of good faith and its effect on the decision of the judicial authority and the scope of the criminal responsibility of the perpetrator, providing the basis for the use of the institutions of mutual aid, granting the right of defense to the accused in justifying the committed behavior and removing the charge, balancing the view of the official actors of the criminal justice system, etc. has been mentioned, but in the literature of Iran's criminal law and criminal procedure, this principle has not been paid attention to in a proper and specific way. Although some judicial activists pay attention to good faith as a justification for adjusting or changing charges and changing the amount of punishments based on legal doctrine, but due to the lack of identification of the legal position of the aforementioned principle and its disregarded place during the criminal proceedings, the effective role of it, is not taken into account. In this research, which was carried out in a descriptive-analytical and at the same time comparative method by using library tools and analyzing the content of some opinions, the position of the good faith principle during the criminal proceedings process was explained and the positive consequences of legal and judicial efforts were explained. It has been mentioned, among other things, narrowing the scope of the population of suspects and accused persons, reducing the rate of court cases, reducing the number of convicts and prisoners, as well as consolidating the position of fair trial.

Keywords: Principle of Good Faith, Right to Defense, Fair trial, Defendants.

* Corresponding Author: d.mojab@modares.ac.ir